

تأثیر فضای سایبری بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

ایوب ظفری^۱، سعید فروغی نیا^۲، موسی باوند^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۸

از صفحه ۴۳ تا ۷۶

فصلنامه علمی - تخصصی دانش انتظامی کهگیلویه و بویر احمد

سال دهم، شماره چهارم (پیاپی ۲۹)، زمستان ۱۳۹۶

چکیده

جهانی شدن و گسترش فزاینده‌ی فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، که از آن به عنوان «جامعه شبکه‌ای» یاد می‌شود، به تحول و دگرگونی در ابعاد مختلف امنیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منجر شده است. در فضای سایبر، مقوله‌ای بنام جنگ نرم است که باعث تهدیدات امنیتی علیه منافع ملی کشورها گردیده است. این شبکه برای کشورها می‌تواند به عنوان تهدید یا فرصت قلمداد شود. در شرایط جدید، چگونگی تأمین منافع ملی ایران، تا حدود زیادی نیازمند شناخت فرایندهای جهانی شدن و تعامل هدفمند با بازیگران جامعه بین‌الملل است. به دلیل ارزشی بودن مفهوم منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، با مفروض گرفتن مبانی نظریه سازه‌انگاری و نقشی که این نظریه بر هنجارها و ارزش‌ها و هویت‌های مختلف در به وجود آمدن منافع قائل است، سعی گردیده تا منافع ملی و تأثیر فضای سایبر بر آن را از منظر سازه‌انگاری و نیز رهیافت الکساندر ونت مورد بررسی قرار دهیم. سؤال اصلی تحقیق این است که، فضای سایبری چه تأثیری بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران داشته و دارد؟ فرضیه مقاله حاضر بر آن است فضای سایبری با توجه به فرامرزی بودن آن علاوه بر آثار مثبتی همچون دسترسی سریع به اطلاعات و ارتباط با جامعه جهانی، تأثیراتی بر امنیت و فرهنگ و هویت ما داشته است؛ و علاوه بر تهدیدات امنیتی، سعی در روند غربی کردن (گرایش به غرب)، و تغییر فرهنگ و هویت ما داشته است، یا به عبارتی با توجه به تأثیری که فضای سایبری ایجاد می‌کند، تعاملات گسترده است و ایجاد تعاملات گسترده می‌تواند منجر به تغییر فرهنگ و هویت باشد نیز با تغییر آن، منافع ملی ما نیز تغییر می‌کند.

کلید واژه‌ها

فضای سایبر، منافع ملی، ایران، هویت و فرهنگ، سازه‌انگاری.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه اصفهان: Ayoubzafari@gmail.com

^۲ دکترای زبان و ادبیات عربی (نویسنده مسئول): foroughinia.saeid@yahoo.com

^۳ کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه اصفهان: moosa.bavand@gmail.com

مقدمه

اینترنت، رسانه‌ای جدید با ماهیتی متفاوت از رسانه‌های پیش از خود است. امروزه امکانات جدید اینترنت به شکل روزافزونی در حال گسترش است. اینترنت و فضای سایبری، گذشته از فواید آن، همراه با مخاطرات و آسیب‌هایی است که فرد، جامعه و حکومت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این رسانه می‌تواند پیامدهایی برای فرهنگ و هویت ما داشته باشد.

پدیده‌ی اینترنت با ایجاد دگرگونی در ابعاد مختلف زندگی به‌ویژه بعد فرهنگی جوامع، مسئله‌ای است که ذهن تحلیل‌گران را به خود مشغول کرده است. در این مقاله بیشتر متمرکز بر آسیب‌های هویتی و فرهنگی هستیم، که اینترنت و فضای سایبری در جوامع ایجاد کرده‌اند. اینترنت با شکل‌گیری دهکده جهانی رابطه‌ی تنگاتنگی دارد، و از این‌رو که دهکده‌ی جهانی، شبکه‌ی مجازی بزرگی بدون محدودیت زمانی امکانی است، تداخل فرهنگی در آن امری اجتناب‌ناپذیر است (موسوی).

به تدریج شبکه‌های بزرگ رایانه‌ای در سراسر جهان به یکدیگر متصل شدند. تا اینکه جهانی به واقع جدید و متمایز از دنیای فیزیکی بنام فضای سایبر شکل گرفت؛ و آن‌گونه که شاهدیم کمتر حوزه‌ای را می‌توان یافت که امور مربوط به آن تحت تأثیر فضای سایبر قرار نگرفته باشد (جهانگرد، ۱۳۸۳: ۲۱). فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی به همه‌ی فضاها، اجتماعی، سازمانی و فردی در جوامع بشری وارد شده است؛ و شیوه زندگی روزمره، کار و معرفت او را به درجات گوناگون تحت تأثیر قرار داده‌اند. برخورداری از این فناوری‌ها، به‌مثابه‌ی وقوع یک «چرخش پارادایمی»، در زندگی فردی و اجتماعی انسان است که در آن حتی مفاهیم کهن نیز با هندسه معرفتی جدیدی قابل شناخت هستند. به تعبیر مانوئل کاستلز، فناوری‌های نوین اطلاعات، نقاط دور عالم را در شبکه‌های جهانی به همدیگر پیوند می‌دهند. ارتباطات رایانه‌ای، مجموعه‌ای از جوامع مجازی را به وجود می‌آورند و در نتیجه‌ی آن، همه‌ی ساختارها و فرایندهای مادی و معنوی بشر دگرگون می‌شوند. (کاستلز، ۱۳۸۴: ۴۸).

فضای سایبر (مجازی)، در واقع نامی است که تعداد زیادی از کاربردهای امروز فناوری‌های جدید ارتباطی را دربرمی‌گیرد. گاهی در کنار اصطلاح فضای مجازی به



اصطلاح فرهنگ مجازی برخورد می‌کنیم. مسائلی که برای نظریه‌پردازان در حوزه فرهنگ در فضای مجازی مطرح می‌شوند شامل مسائلی همچون شکل‌گیری فرهنگ جدید، بازنمایی و درک از واقعیت مجازی و هویت می‌شوند یکی از مشکلاتی که جوامع امروز با آن روبرو هستند این است که منافع موجود در اینترنت به صورت عادلانه در اختیار همه کاربران قرار نمی‌گیرد. برایان دی لودر و لیت کیبل (۲۰۰۱) معتقدند فناوری‌های جدید ارتباطی به همراه فرایند جهانی شدن و حرکت سریع سرمایه موجب ناامنی و نابرابری اجتماعی و فرهنگی در جهان و مخصوصاً کشورهای پیشرفته شده‌اند (شاقاسمی، خرداد ۱۳۹۳).

کاستلز با تأکید بر تغییراتی که فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات پدید آورده است، قدرت و حوزه‌ی کارکرد شبکه‌ها را در قالب نظریه‌ی جامع شبکه‌ای تحلیل می‌کند. نظریه کاستلز درباره‌ی جامعه‌ی شبکه‌ای مبتنی بر این اصل است که، کارکردها و فرایندهای مسلط در عصر ارتباطات به‌گونه‌ای فزاینده پیرامون شبکه‌ها سازمان می‌یابند؛ و منطق جامعه‌ی شبکه‌ای در حال سرایت به تمام فضاهای زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. (کاستلز، ۱۳۸۴: ۲۳-۲۲).

مایکل هایم، واقعیت مجازی را که برآمده از چنین فناوری است، تکامل فرایندی می‌داند که برای مدت کوتاهی در فناوری و برای مدت طولانی در اندیشه غرب به حرکت درآمده است. او به ریشه‌های این توسعه باز می‌گردد و این موضوع را پی می‌گیرد که چگونه هر تغییری در فناوری دانش منجر به تغییر در روابط ما با دانش و در نهایت نگاه به خود می‌شود. (هایم، ۱۳۹۰: ۲۶-۲۵).

با توجه به تفاوت رویکردهای موجود درباره‌ی فضای سایبر، دیوید بل تعریف این مقوله را پیچیده می‌داند. وی ضمن اشاره به گونه‌های مختلف تفسیر فضای سایبر، به توصیف مایکل بندیکت از فضای سایبر اشاره می‌کند که حائز اهمیت است: در فضای سایبریک، دنیای جدید، یک دنیای موازی است که با خطوط ارتباطی و کامپیوترهای جهان خلق و نگهداری می‌شود. دنیایی که در آن تردد جهانی دانش، رموز، سنجش‌ها، شاخص‌ها و عاملیت دیگر انسانی شکل می‌گیرد (بل، ۱۳۸۹: ۲۳-۲۲).

در واقع اینترنت، دروازه‌ی فضای سایبر است، اما فضای سایبر با ویژگی‌هایی چون میزان و چگونگی دسترسی، راهبردی، فعالیت اطلاع‌یابی، بالندگی و اعتماد شناخته می‌شود. استفاده از فضای سایبری علاوه بر اینکه تسهیلات فوق‌العاده‌ای که برای کشورها به وجود می‌آورد، میزان آسیب‌پذیری سرمایه‌های ملی مبتنی بر این فضا را نیز به شدت افزایش می‌دهد. (رویکرد ایران در پاسخ به حملات سایبری دشمن، اقدام متقابل است سال ۱۳۹۳). به این ترتیب، این فضای مجازی، حاوی اطلاعات متکثر و متنوع، به صورت بخشی از واقعیت اجتماعی عصر جدید در می‌آید و فضای اصلی تعادل‌ها را کم‌وبیش در اختیار می‌گیرد. (کاستلز، ۱۳۸۴: ۱۷).

در فضای مسلط فرهنگ مبتنی بر واقعیت مجازی، بازیگران سیاسی به منظور بقاء و حضور در صحنه و تأثیرگذاری بر روند تحولات، ناگزیرند از رسانه‌های حامل نمادهای الکترونیک و به خصوص تلویزیون به صورت تمام عیار استفاده کنند. (همان: ۱۷). لذا می‌توان گفت که هویت و فرهنگ به آگاهی شخص و اجتماع از جایگاهش در جهان برمی‌گردد؛ و از این حیث، هویت امری آگاهانه است و شامل گزینه‌های داوطلبانه و عاداتی می‌شود که هرگز زیر سؤال نمی‌رود. (برتون، ۱۳۸۰: ۲۴). تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، امکان ظهور جامعه شبکه‌ای را فراهم آورده است که افراد و جوامع را در درون قالب‌های تازه، هویت‌های تازه می‌بخشد. (کاستلز، ۱۳۸۴: ۲۰). انقلاب تکنولوژی اطلاعات به‌گونه‌ای نیمه آگاه از طریق فرهنگ مادی جوامع ما، روحیه‌ی آزادی خواهانه‌ی ای را رواج داد که در جنبش‌های دهه ۶۰ شکوفا شد.

در اوایل دهه شصت، مک لوهان، انقلابی در تفکر ارتباطات ایجاد کرده است و پیش‌بینی کرد که رسانه‌های ارتباط‌جمعی جهانی و غیرمتمرکز خواهند بود (همان: ۳۸۴). در واقع سیستم ارتباطی نوین، زمان و مکان را که جنبه‌های بنیادین زندگی بشر هستند، اساساً دگرگون می‌سازد. مناطق از معنای فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی خود تهی می‌شوند؛ و در شبکه‌های کارکردی گنجانده می‌شوند. که فضای جریان‌ها را که جایگزین فضای مکان‌ها می‌شود، ایجاد می‌کنند. در سیستم ارتباطی نوین، گذشته، حال و آینده را می‌توان به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کرد که در یک پیام با یکدیگر مرتبط می‌شوند، دیگر زمان معنایی ندارد. فضای جریان‌ها و زمان بی‌زمان، بنیادهای مادی فرهنگ جدیدی هستند که علاوه بر اینکه تنوع سیستم‌های بازنمودی را



که به گونه‌ای تاریخی منتقل می‌شوند در برمی‌گیرد، از آن فراتر می‌رود، فرهنگ مجاز واقعی، که در آن وانمود کردن همان باوری است که صورت عینی به خود می‌گیرد. (همان: ۴۳۴)

تأثیر این فضا بر فرهنگ مشهود است به نوعی محیط سایبری در حال هموار کردن راه جهانی شدن فرهنگی است. فرهنگ‌هایی که غالب هستند، خود را بیشتر تحمیل می‌کنند و فضای سایبری پتانسیلی برای فرهنگ غالب است که در سطح جهانی خود را مطرح می‌کند. این فضا، از جنبه‌ای تهدیدی برای فرهنگ ما محسوب می‌شود و از طرفی، می‌تواند فرصتی برای توسعه فرهنگ اسلامی ایرانی باشد. (حمید ضیایی پرور، پایگاه تحلیلی خبری صراط، ۱۳۹۲).

در فضای سایبر، مقوله جنگ نرم باعث تهدیدات امنیتی علیه منافع ملی کشورها شده است این مفهوم «نبرد اطلاعاتی»، مفهوم جدیدی نیست بلکه محصول فرعی انقلاب رایانه است (عبداله خانی، ۱۳۸۶: ۱۳). و در این مقاله، به بررسی جنگ نرم در فضای سایبر به‌عنوان تهدیدی علیه منافع و هویت کشورها می‌پردازیم که جنگ در عصر ارتباطات، نه تنها به‌واسطه‌ی تکنولوژی، بلکه با مفاهیم و سازمان‌هایی که برای شکل‌گیری این تکنولوژی ایجاد شده‌اند، شکل خواهد گرفت. (همان: ۲۹).

با توجه به اینکه در عصر حاضر، که فرایندهای جهانی شدن، حیات اجتماعی ما را با تغییر و تحولات زیادی مواجه کرده است، فضای جغرافیایی کشورها از طریق شبکه اینترنت به شدت متداخل شده است و فواصل دور، بسیار نزدیک و در جوار یکدیگر قرار گرفته است. در فرایند جهانی شدن، مفهوم فاصله از حالت مکانی و زمانی خارج شده و ماهیت عملکردی به خود می‌گیرد. در حقیقت جهان به دور جدیدی از نظام فرهنگی، اجتماعی وارد شده که آن را «جامعه اطلاعاتی» می‌نامند (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۰: ۶۷). تحقیق حاضر بر آن است تا ابتدا با ارائه تاریخچه‌ای از پیدایش و همچنین گسترش فضای مجازی، علاوه بر بررسی مفهوم منافع ملی (امنیت، هویت و فرهنگ)، و نیز فضای سایبر، آسیب و تهدیدات آن، تأثیر این فضا را بر منافع ملی ایران توضیح داده و مورد بررسی قرار دهد. بدین ترتیب از تئوری سازه‌نگاری الکساندر ونت جهت بررسی تأثیر فضای سایبر بر منافع ملی استفاده گردیده است.

چارچوب نظری

از اواخر ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ سازه‌انگاری به یکی از تئوری‌های اصلی روابط بین‌الملل تبدیل شده است. این نظریه مهم در دهه اخیر در روابط بین‌الملل، سازه‌انگاری یا بر سازنده‌گرایی است که از این نظر تلاشی است در حوزه فرا نظری و اهمیت ویژه‌ای دارد. مباحث هستی‌شناسی به وضوح کانون اصلی توجه سازه‌انگاران را تشکیل می‌دهند. سازه‌انگاری، سیاست بین‌الملل را بر اساس یک هستی‌شناسی «رابطه‌ای» می‌بیند و به عوامل فکری مانند فرهنگ، هنجارها و انگاره‌ها بها می‌دهد. ونت را به عنوان یکی از مهم‌ترین اندیشمندان این مکتب در تئوری اجتماعی بیان می‌کند که تعامل میان بازیگران، بستگی به ساختار دانش سیستم بین‌الملل دارد؛ و دانش را به عنوان فرهنگ و معانی مشترک تعریف می‌کند. (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۷۵). مهم‌ترین تأکید ونت بر هویت است که در فرایند تعامل بین دولت‌ها ایجاد می‌شود. کانون توجه سازه‌انگاری، آگاهی بشری و نقشی که این آگاهی در روابط بین‌الملل ایفا می‌کند، هست.

مهم‌ترین گزاره‌های رهیافت سازه‌انگاری را بدین صورت بیان می‌کنیم:

۱- محیط جهانی تنها به عوامل مادی محدود نمی‌شود بلکه فاکتورهای فکری و هنجاری نیز اهمیت دارند.

۲- خصوصیات دولت‌ها نتیجه تعاملات آن‌ها هست؛ و اینکه دولت‌ها دارای صفات ذاتی و از پیش تعیین شده نمی‌باشند.

۳- منافع و هویت‌ها، مفروض و از پیش داده شده نمی‌باشند بلکه نتیجه تعامل اجتماعی می‌باشند، که در فرایندهای بین‌المللی در معرض تغییر می‌باشند. (امیر محمدی، ۱۳۸۳: ۱۸).

سازه‌انگاران بر نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل تأکید دارند و به این نتیجه می‌رسند که بدون توجه به فرهنگ سیاسی جهانی استانداردکننده، نمی‌توان ثبات بالای نظام دولتی و کاهش تنوع اشکال سیاسی را توضیح داد. مسئله مهم دیگر هستی‌شناختی، هویت‌کنشگران است که به تعبیری در کانون رهیافت سازه‌انگاری است. هویت عبارت است از فهم‌ها و انتظارات در مورد خود که خاص نقش است. هویت‌ها به طور هم‌زمان به‌گزینش‌های عقلانی قوام می‌دهند و این الگوهای هنجارهای سیاست بین‌الملل اند، که



به آن‌ها شکل می‌دهند. مطابق نظریهٔ سازه‌انگاری، «هنجارها» تعریف‌کننده «هویت‌ها» و «هویت‌ها» نیز معرف «منافع» هستند (نورایی یگانه، ۱۳۸۵: ۱۷). هویت کنش‌گران به تعبیر سازه‌انگاری «ساخته» می‌شود. با این «ساخت» است که منافع ملی و همچنین کنش‌های کنش‌گران شکل می‌گیرد. از این منظر گفته می‌شود که کنشگران، قائم به شکل اجتماعی بوده و هویت آن‌ها محصول ساختارهای اجتماعی بین‌الذهانی است (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۷۶).

یکی از مهم‌ترین نتایج این توجه به هویت، احیای تفاوت‌ها میان دولت‌هاست. یعنی واحدهای سیاسی، عملاً در سیاست جهان در چهرهٔ بازیگران مختلفی جلوه‌گر می‌شوند و دولت‌های گوناگون بر اساس هویت‌های هر یک از دولت‌های دیگر، رفتار متفاوتی در قبال آن‌ها دارند (تدهویف، ۱۳۸۶: ۴۷۶).

سازه‌انگاران نسبت به تأثیر هنجارها در رفتارهای بین‌الملل اهمیت قائل‌اند. هنجارها را نیز موضوعی بین‌الذهانی میان جهان طبیعی و جهان اجتماعی می‌دانند. این درک و فهم مشترک و ظهور هنجارهای خاص بنیان‌گذار مفهوم امنیت نوین در تعاملات بین‌المللی می‌شود. سازه‌انگاران جهت حل معضلات امنیتی جهان در خصوص موازنه قدرت، بحث هویت و در مورد معمای امنیتی، ایده هنجاری مطرح می‌نمایند تا از مسیر حصول امنیت پرده‌گشائی کنند از منظر سازه‌انگاری امنیت بیش از آنکه بر قدرت استوار باشد بر میزان درک و فهم مشترک بازیگران از یکدیگر قائل است (اخلاقی نیا: ۱۳۸۶).

جان راگی نیز مهم‌ترین خصوصیت متمایز سازه‌انگاری را در قلمرو هستی‌شناختی می‌داند و بر آن است که سازه‌انگاری سیاست بین‌الملل را بر اساس یک هستی‌شناسی «رابطه‌ای» ببیند و به عوامل فکری مانند فرهنگ، هنجارها و انگاره‌ها بها دهد آن‌ها بر نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل تأکید دارند بر این اساس، بدون توجه به فرهنگ سیاسی جهانی استانداردکننده، نمی‌توان ثبات بالای نظم دولتی و کاهش تنوع اشکال سیاسی را توضیح داد (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۳۲۶).

از دید سازه‌انگاری، هنجارها، فهم مشترکی هستند که هویت و منافع بازیگران را به وجود می‌آورند. وجود و نفوذ هنجارها به آن معنا است که عوامل و محیط باهم درکنش و واکنش هستند، و بنابراین روابط بین‌الملل مشروط به جامعه است

(راسخی، ۱۳۷۶: ۱۶۲). ماهیت اصلی هویت‌ایرانی، دینی است و در یک کلمه، صفت «اسلامی» جمهوری اسلامی ایران، معرف مجموعه هنجارها و ارزش‌هایی است که تعیین‌کننده منافع و اهداف و چگونگی هدایت سیاست خارجی هست (سازمند، ۱۳۸۴: ۵۰).

از آنجاکه افکار عمومی جزء جدایی‌ناپذیر فرهنگ هستند و نیز با توجه به اینکه در دوران معاصر در اکثر جوامع، اطلاعات و آگاهی‌ها، اساساً به واسطه‌ی رسانه‌ها جریان می‌یابند، رسانه‌ها در فرهنگ جامعه و به تبع آن، در صورت بندی و ارائه گزینه‌های در دسترس بازیگران، نقش غالب را بازی می‌کنند. نقش رسانه‌ها در این بازی، نه فقط بازنمایی عناصر فرهنگی، بلکه شرکت در تولید و بازتولید فرهنگ اطلاعاتی است (شیخ‌الاسلامی، عسگریان، ۱۳۸۸: ۴).

اساساً باید میان تأثیر جهانی شدن و جهانی سازی بر هویت تفاوت بگذاریم. جهانی شدن امری طبیعی، تدریجی و تکاملی است و بر اثر آن، حداقل هویت نخبگان فکری، فرهنگی و سیاسی از هویت محدود به سوی هویت وسیع بشری سیر می‌کند اما از آنجا که جهانی سازی امری دفاعی و تحمیلی است که قدرت‌های بزرگ از طریق فرهنگ و سیاست، خود را بر دیگران تحمیل می‌کنند. لذا جهانی سازی، هویت فردی را مستحیل، هویت ملی را مخدوش و هویت مذهبی را وارونه می‌کند. بنابراین جهانی سازی باعث بحران هویت و از خودبیگانگی می‌شود (ایوانز، ۱۳۸۱: ۱۳۶). با این حال جهانی شدن را چه فرایند طبیعی و چه آن را اراده‌ای برای تغییر در غربی کردن جهان بدانیم ناچاریم تا زمانی که از دولت و نظام سیاسی سخن می‌گوییم و از حیث وجودی از آن دفاع می‌کنیم، از منافع ملی نیز دفاع کنیم. در این فضا، واحدهای ملی برای صیانت از ذات، هویت و فرهنگ خود بیش‌ازپیش به مؤلفه‌های هویتی خود توجه می‌کنند و به عبارت دیگر، هویت خود را به‌گونه‌ای تعریف و بازسازی می‌کنند که تعامل مناسب و موفق‌تری را در فضای جهانی شدن ایجاد کنند (قبادی، ۱۳۸۴).

مطالعات امنیتی سازه‌انگاران بر دو فرضیه عمده بنا شده است: اول آنکه، ساختارهای اساسی سیاست بین‌الملل ساخته و پرداخته ساختارهای اجتماعی است و دوم آنکه، تغییر تفکر در خصوص روابط بین‌الملل می‌تواند منجر به تغییر وضعیت امنیت بین‌الملل و بهبود آن گردد. این بدان معناست که چنانچه تفکر ما تغییر نماید وضعیت امنیتی نیز



تغییر خواهد کرد. طرفداران این رویکرد معتقدند، جهان مادی و عینی همان‌طور که واقع‌گرایان می‌گویند به عمل انسان و نحوه‌ی تعاملات او شکل و صورت می‌دهد ولی همین جهان مادی و عینی، از ناحیه‌ی عمل انسان و تعاملات او تأثیر می‌پذیرد. بنابراین سازه‌انگاران معتقد به تأثیر و تأثر متقابل جهان مادی و انسان هستند (عبدالله خانی، ۱۳۸۲: ۱۸۵). از این مباحث برداشت می‌شود که هویت‌ها، منافع را شکل می‌دهند و منافع نیز سرچشمه رفتارها و اقدام‌ها هستند.

هدف این پژوهش بررسی تأثیر فضای سایبر به‌عنوان شبکه‌ای جهانی بر منافع ملی (امنیت، هویت و فرهنگ)، با رهیافت نظریه سازه‌انگاری به‌عنوان یک رویکرد کارآمد و میانه (رئالیسم و لیبرالیسم) هست. سازه‌انگاری معتقد است که ساختار بین‌الملل نه امری از پیش داده‌شده، بلکه امری برآمده از دیالکتیک دائمی ساختارها و بازیگرانی است که بر اساس معانی ذهنی خود دست به کنش می‌زنند و در نهایت در یک ذهنیت مشترک، واقعیت را می‌سازند. این واقعیت از آن لحاظ که دارای سرشتی محدودکننده و تعیین‌بخش به رفتارهای بازیگران است. دارای عینیت است ولی نه عینیتی که به صورت ایستا و مستقل از بازیگران باشد. ساختار واقعیت از طریق قواعد و استانداردها و هنجارهای پذیرفته‌شده رفتار بازیگران را تعیین می‌کند و این تعیین بخشی از آن جهت است که این هنجارها مورد حمایت ذهنیت جمعی است و بازیگری که مایل به رعایت این هنجارها نباشد با اجماع علیه خود روبه‌رو خواهد شد از سوی دیگر با دگرگونی انگاره‌ها و تلقی‌ها در نهایت تغییر در نظام ممکن می‌شود. با عنایت به مفروضات سازه‌انگاری، مقاله در ابتدا به مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی این نظریه پرداخته و سپس هویت و فرهنگ ایران را بر اساس این رویکرد به‌آزمون گذاشته و در نهایت به فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که این رویکرد فراهم می‌کند؛ اشاره خواهد کرد. (جوادی، سلیمانی: ۱۳۸۸).

منافع ملی

از لحاظ نظری اولین بار منافع ملی توسط چارلز بیرد وارد متون تخصصی روابط بین‌الملل شد. وی در کتاب اندیشه منافع ملی می‌گوید: با مطالعه‌ای تحلیلی در سیاست خارجی آمریکا، منافع ملی را تبلور و جلوه خارجی منافع عمومی در داخل می‌داند.

خلاصه آنکه منافع ملی توصیف‌کننده نتایج مطلوب است و عبارت است از هدف‌های عام و همیشگی که در راه آن‌ها، ملت فعالیت می‌کند. (قریشی، ۱۳۸۱: ۳۶).

منافع ملی، به معنای والاترین ارزش و عالی‌ترین آرمانی که جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی تعریف و تعقیب می‌کند، یکی از ارزش‌های حیاتی آن به شمار می‌رود. مفهوم منافع ملی، به‌رغم کاربرد گسترده در ادبیات سیاست خارجی دارای ابهام مفهومی است. این ابهام‌ها باعث تلقی‌ات و تعاریف متفاوت و حتی متعارضی از منافع ملی جمهوری اسلامی ایران شده است. بعضی، منافع ملی جمهوری اسلامی را به صورت انتزاعی و قیاسی تعریف کرده و مصادیق آن را صیانت از نفس یا بقاء، حاکمیت ملی، استقلال، تمامیت ارضی، امنیت نظامی، توسعه و رفاه اقتصادی تعیین می‌کنند. برخی دیگر منافع ملی ایران را آن دسته از اهداف و ارزش‌های ملی تعریف می‌کنند که دست‌یافتنی و تحقق‌پذیر است و مصادیق آن را به صورت استقرایی از طریق بررسی عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی به طور در زمانی معین می‌کنند. ذهنی‌گرایان، معتقدند که منافع ملی جمهوری اسلامی ارزش‌هایی است که تصمیم‌گیرندگان ملی به عنوان برآیند منافع جمعی جامعه برمی‌گزینند و در تصمیمات و سیاست‌های اتخاذی آنان به نمایندگی از ملت ایران تبلور و تجلی می‌یابد (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۶: ۱۳۵).

هر یک از این دیدگاه‌ها بر ابعاد، عناصر و وجوه خاصی از منافع ملی کشور تأکید می‌ورزد. این اختلاف‌نظرها ناشی از ارزش محور بودن منافع ملی است؛ یعنی اختلاف در مورد اینکه مهم‌ترین، بهترین و عالی‌ترین ارزش ملت ایران کدام است. ویژگی ارزشی منافع ملی باعث می‌شود که تحلیل‌گر و تصمیم‌گیرنده سیاست خارجی بر اساس آنچه خود بهترین ارزش برای ملت و کشور می‌داند به داوری ارزشی بپردازد. افزون بر این، حتی اگر منافع ملی را یک واقعیت عینی نیز بدانیم، باز این امر به قوت خود باقی است؛ زیرا تصمیم‌گیرنده و تحلیل‌گر سیاست خارجی است که نهایتاً در مورد میزان انطباق ارزش‌های تجلی‌یافته در تصمیم و عملکرد سیاست خارجی با آن واقعیت عینی قضاوت می‌کند. از این‌رو، می‌توان گفت منافع ملی عالی‌ترین اهداف و والاترین ارزش‌هایی (مادی و معنوی) است که در چارچوب نظام هنجاری و ارزشی جامعه ایران به صورت بینا ذهنی تعیین و تعریف می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

عبارت است از: آرمان، آمال، آماج، ارزش‌ها و نیازهای ادراکی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک ملت- دولت دارای حاکمیت در رابطه با سایر بازیگران بین‌المللی که به صورت بینا ذهنی تکوین و تعریف می‌شود.

بنابراین، در تعریف و تعیین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران چند اصل را باید رعایت کرد. اول، نظام ارزشی و هنجاری که ارزش‌های ملی از آن نشأت می‌گیرد را باید مدنظر قرار دهیم. دوم، آرمان‌ها، ارزش‌ها، انتظارات و هنجارهای ملی که به صورت بینا ذهنی ساخته و پذیرفته شده است و ملت ایران تأمین آن را از طریق سیاست خارجی لازم و ضروری می‌پندارند را باید لحاظ کرد. به گونه‌ای که برداشت و تلقی مردم از ارزشی که به عنوان یک منفعت ملی در سیاست خارجی پیگیری می‌شود سازگار و همسان باشد. سوم، ماهیت و هویت اسلامی جمهوری اسلامی را باید ملحوظ داشت. زیرا هویت اسلامی جمهوری اسلامی ایران نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین و تعریف منافع ملی ایران ایفا می‌کند. این بدان معناست که در تعریف و تبیین عناصر و مصادیق منافع ملی ایران باید هر دو دسته از ارزش‌های اسلامی و ایرانی را لحاظ کرد. این ارزش‌ها به دو دسته مادی یا ملموس و غیرمادی یا ناملموس تقسیم می‌شوند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۲۴-۱۲).

به سخن دیگر، مفهوم منافع ملی خود یک ادراک و انگاره است. در مورد ماهیت بسیط یا مرکب منافع ملی جمهوری اسلامی ایران دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برخی با توجه به ماهیت و هویت اسلامی جمهوری اسلامی ایران، منافع آن را همان مصالح اسلامی تلقی و تعریف می‌کنند که منافع ملی نیز در آن نهفته است. گروه دیگری بر مبنا و از منظر ملی‌گرایی، منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک دولت- ملت متعارف محدود و محصور در ارزش‌های معطوف به ملت ایران می‌دانند. مهم‌ترین کارکرد و هدف تحلیلی و تنفیذی مفهوم منافع ملی، تعیین و تعریف ارزش‌های عالی ملت ایران است که باید در سیاست خارجی پیگیری شود در چارچوب ذهنی‌گرایی، افراد تصمیم‌گیرنده سیاست خارجی برآیند ارزش‌ها و منافع جامعه را به عنوان منافع ملی تعیین و تعقیب می‌کنند. فرایند پیگیری منافع ملی شامل تعیین اهمیت و اولویت ارزش‌ها و عناصر، ابزارها و تعیین حوزه اطلاق منافع ملی می‌شود. جمهوری اسلامی ایران، مانند سایر کشورها منافع متنوع و متعددی دارد که برای تأمین آن‌ها باید

برحسب اهمیت، ضرورت و فوریت اولویت‌بندی کند. از این رو، اولویت‌بندی منافع ملی خود یک امر بسیار مهم در سیاست خارجی است.

فضای مجازی

واژه‌ی فضای مجازی اولین بار در سال ۱۹۸۴، در رمان علمی-تخیلی ویلیام گیسون با نام نیورومنسر مطرح شد. این اصطلاح برای توصیف یک فضای خیالی بکار برده شد. جایی که در آن واژه‌ها، روابط، داده‌ها، ثروت و قدرت از طریق ارتباطات به واسطه‌ی کامپیوتر پدیدار می‌شوند. به طور کلی امروزه آنچه را که با شیوه زندگی و تفکر مرتبط با تکنولوژی نوین اطلاعات در رابطه باشد، با صفت سایبر نام می‌برند؛ و به فضای رایانه‌ای که سازنده یک فضای مجازی جغرافیایی است، فضای سایبرنتیک یا فضای مجازی می‌گویند. به بیا دیگر، فضای مجازی، جهان ذهنی اطلاعات و شبکه‌های الکترونیکی است که با اینترنت قابل دسترسی است. در زبان جاری انفورماتیک، این واژه به معنای کاربرد اینترنت در تمامی ابعاد فرهنگی، فنی و اجتماعی آن است. همچنین فضای مجازی حیطه‌ای نامشخص و بی‌حدومرز نیست، بلکه فضایی است کاملاً تعریف‌شده، بسته و متشکل از مؤلفه‌های معین و مشخص هست (عباسی قادی، خلیلی کاشانی، ۱۳۸۹: ۵۷).

گیسون «سایبر اسپیس» را «مکان تجسم‌های همراه با رضامندی»، معرفی می‌کند. که در آن هر دو بعد فیزیکی و ذهنی خود دچار تحول و دگرگونی می‌شوند. در فضای مجازی در بسیاری از موارد، فرد در حریم خصوصی با جهان مجازی ارتباط برقرار می‌کند. این ارتباط بین فرد با فرد دیگر فراهم شده است. خصیصه خودفرمانی، هدایت و کنترل یا به عبارتی فرمانروایی فضای مجازی بر کاربر نیز این حریم خصوصی را تشویق می‌کند.

فضای مجازی مفهومی است که با اینترنت ارتباط دارد اما با آن یکی نیست. ارتباطات مجازی قبل از اینترنت شروع شد و بعدها این ارتباطات و تعاملات در اینترنت ادامه یافت (همان: ۵۸). با حضور فضای سایبرنتیک، مجاز جایگزین واقعیت می‌شود و به این جهت فضای مجازی نامیده می‌شود که حضور قابل‌لمس فیزیکی یا واقعیت فیزیکی ندارد. این فضا، انتقال آنی و سریع داده‌ها را امکان‌پذیر می‌کند؛ و در حقیقت فاصله‌های



جغرافیایی و زمانی موجود را از میان می‌برد. برخی از ویژگی‌های این جهان (فضای مجازی) عبارت‌اند از: بی‌مکانی-فرا زمانی-صنعتی بودن محض-عدم محدودیت به قوانین مدنی متکی بر دولت‌ها و ملت‌ها- برخورداری از معرفت‌شناسی تغییر شکل یافته پسا مدرن-قابل دسترسی بودن به طور هم‌زمان- روی فضا بودن و برخورداری از فضاهای فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی و سیاسی جدید و به عنوان واقعیت مجازی یا (فضای سایبری).

درواقع اینترنت وسیله‌ای ارتباطی و فضای سایبرنتیک، محیطی است که اماکن تولید فضا را برای کسانی فراهم کرده است که به صورت مادی در قالب اجتماعی- فرهنگی قادر نیستند فضایی تعاملی ایجاد کنند و یا در تولید و ساخت آن با مشکل مواجه‌اند. (همان: ۵۹).

ویژگی‌های فضای سایبر

افراد ساکن در دنیا متکی بر روابط سایبری، تعاملات خود را در یک فضای مجازی سامان می‌بخشند. دنیای مجازی، دنیایی است که در آن افراد به واسطه ارزش‌ها و علایق مشترک از طریق اینترنت به همدیگر متصل می‌شوند دنیای مجازی که در عرض دنیای امروزی قرار گرفته است و موجب ظهور عصر سیلیکون شده است، خصوصیات و ویژگی‌های مخصوص خود را دارد. که به مواردی اشاره می‌کنیم:

۱- جهانی و فرامرزی بودن: جهانی بودن دنیای سایبرنتیک، روندی است که موجب ارتباطات هم‌زمان و ظهور «فضای واحد ارتباطی» شده است. دنیای سایبری دست‌کم با سه خصوصیت بارز «فراملی بودن»، «فراگیر و جهانی بودن» و «پیوستگی»، شناخته می‌شود بر اساس این خصوصیات فضای سایبر، فضای جدیدی است که اساساً «فراملی» و «فرا جغرافیایی» و به تعبیر دقیق‌تر «بی‌مکان» است که ابزار فرامرزی بودن دنیای سایبر، سیستم‌های رایانه‌ای و نرم‌افزارهای جهان کاربردی است.

۲- اطلاعاتی بودن: امروزه رایانه بخش گریزناپذیر زندگی ما شناخته شده است. رایانه‌ها فرم جهان را از شکل صنعتی به شکل اطلاعاتی تغییر داده‌اند. اطلاعاتی بودن فرهنگ جامعه نوین مجازی، عامل ظهور فرهنگ‌های الکترونیک متفاوت در سطح جهان شده و دوسویگی آن را در پی داشته است. فرهنگی که طی فرایندی، فرهنگ‌های متفاوت را در

یک سطح عام‌تر همسان می‌سازد؛ و هم باعث شکل‌گیری خرده فرهنگ‌های همسو با اجتماعات خاص مجازی می‌شود.

۳- انزوای معاشرتی: حاصل این امر چیزی جز جذاب پنداشتن صفحه رایانه از واقعیت زندگی روزمره و کاهش علاقه کاربران به مشارکت اجتماعی و فعالیت‌های مدنی نخواهد شد.

۴- بی‌هنجاری و تضاد هنجاری هست (کوشا، ۱۳۹۱).

۵- نبود دولت و حکومت و حاکمیت در فضای مجازی.

ابعاد آسیب‌های ناشی از اینترنت و فضای سایبر

فرهنگ، روش زندگی عمومی است و از طریق تعامل اجتماعی آموخته، تقلید و گردآوری می‌شود و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. فرهنگ هر جامعه، ارزش و جایگاه برجسته‌ای برای آن جامعه دارد؛ و مبانی همبستگی هر اجتماع را تشکیل می‌دهد. با توسعه تکنولوژی اطلاعاتی و ارتباطی زمینه دگرگونی و چالش فرهنگ‌ها را در سطح کشور به‌عنوان فرهنگ ملی فراهم می‌شود (جان پرور، حیدری موصول، ۱۳۹۰). در واقع آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی اینترنت، اعضای جامعه را در رفتار فردی با خانواده و رفتار اجتماعی را با دیگر شهروندان متزلزل و متأثر از فرهنگ‌های منحط بیگانه می‌نماید. هنجارها و ارزش‌های متعالی جامعه به زوال رفته، احساس امنیت و آرامش از جامعه رخت برمی‌بندد. ضمن اینکه آسیب‌های سیاسی آن، موجب تضعیف قدرت اقتدار و حاکمیت دولت شده، آن را در ایجاد وحدت ملی و امنیت اجتماعی و اطلاعاتی دچار چالش‌های جدی می‌نماید.

در اینجا فقط به آسیب‌های فرهنگی اکتفا نموده شده است.

۱- کم‌رنگ شدن ارزش‌های مترقی: هر جامعه صاحب ارزش‌هایی است که ناشی از فرهنگ آن است؛ اما برخی ارزش‌های مترقی در جوامع اسلامی وجود دارد که به‌موجب تأثیر از فرهنگ غرب، در حال کم‌رنگ شدن است. ۲- تضعیف فرهنگ‌های کم‌حضور ۳- تضعیف اعتقادات و گسترش شبهات فکری: گرچه دسترسی آسان به انواع اطلاعات از مزایای فضای سایبر است اما معایبی نیز دارد از جمله اینکه طرح و نشر انواع شبهات در



آن، موجب تزلزل در باورهای کاربران سست‌عقیده و کم اطلاع می‌گردد ۴- رواج سطحی‌نگری فکری: آزادی بیان و طرح اندیشه‌های متضاد در فضای سایبر، از اهداف اولیه ایجاد چنین فضای است. ۵- ایجاد سرگرمی ۶- گسترش اباحه‌گری عملی: حفظ حرمت قوانین اجتماعی و رعایت آموزه‌های اخلاقی، از ریشه‌ای‌ترین اصول هر فرهنگ است. بدیهی است با گسترش اباحه‌گری در فضای سایبری، نهایتاً این روند در میزان خودداری افراد جامعه از ارتکاب غیراخلاقی و ناهنجار در فضای جامعه نیز تأثیر خواهد داشت. ۷- به خطر افتادن حقوق مادی و معنوی مؤلفان و نهایتاً؛ گسترش محصولات فرهنگی فرهنگ‌های منحط (به‌ویژه فرهنگ غربی)، (طارمی).

پیامدهای اینترنت و فضای مجازی

شبکه‌های ارتباطی با سرعت شگفت‌آوری باعث انتقال اطلاعات و تصاویر در سراسر دنیا شده‌اند؛ و فواصل فضایی و مکانی را که پیش از این بین افراد و سازمان‌ها در سراسر دنیا وجود داشت، از بین برده و مهارت‌های متعددی نظیر؛ انتقال داده‌ها و ارتباط از راه دور را امکان‌پذیر ساخته است. حال درک ما از دنیایی که ماورای گستره تجربه شخصی ما قرار دارد و همچنین جایگاه خود در جهان به شکل روزافزونی با شکل‌های نمادین رسانه‌ای شده شکل می‌گیرد. تکنولوژی نوین اطلاعات، اقصی نقاط عالم را در شبکه‌های جهانی بر ساخته از ابزارها به یکدیگر پیوند داده است؛ و ارتباطات کامپیوتری، مجموعه گسترده‌ای از اجتماعات مجازی را به وجود آورده‌اند. ظهور اینترنت نمونه‌ای از تحولات تکنولوژی ارتباطی و اطلاعاتی است که تغییرات عمیقی را در عرصه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایجاد کرده است. اینترنت با تحلیل برقراری ارتباط میان دوردست‌ترین نقاط جهان، کره خاکی را به دهکده‌ای کوچک تبدیل کرده است. دهکده‌ای که ناخودآگاه نام مارشال مک لوهان را در ذهن تداعی می‌کند. دکتر سیدرضا عاملی، ارائه‌کننده «تئوری دوج جهانی شده‌ها»، در تعریف عصر جدید می‌گوید: جهان امروز، جهانی است که دائماً «تولیدات خلق‌الساعه» و فنا و نابودی‌های آنی را خصوصاً در حوزه فرهنگ عامه می‌پروراند. در این تئوری، جهان مجازی به عنوان جهان دوم، جهانی است با جهت‌گیری‌های مشخص و در عین حال فارغ از هر نوع جهت‌گیری ماندگار و

خصایصی متضاد که هم در این جهان مشخص شده است و هم در مواجهه با جهان واقعی موجب تضاد، تناقض و امور متزاحم می‌شود. اینترنت پیامدهای دوگانه مثبت و منفی دارد. بعضی از تحقیقات بیان‌کننده‌ی تأثیرات منفی اینترنت بر زندگی مادی و واقعی کاربران هستند و آن را تهدیدی نسبت به روابط سنتی می‌دانند و بیان‌کننده کاهش درگیری‌های اجتماعی کاربران و تأثیر روان‌شناختی منفی بر کاربر است از جمله تحقیق کورت و همکاران در سال ۱۹۹۸ و نیز مطالعه‌ی نای و اربینگ در سال ۲۰۰۰ می‌توان اشاره کرد. آن‌ها متوجه شدند که استفاده هرچه بیشتر از اینترنت با کاهش غیرقابل اجتناب ارتباطات خانوادگی همراه است؛ و روابط سنتی میان افراد را به چالش می‌کشد، درگیری‌های اجتماعی روزمره را می‌کاهد و انزوا، تنهایی و افسردگی افراد را تقویت می‌کند (عباسی قادی، خلیلی کاشانی، ۱۳۸۹: ۷۰-۶۶)

انقلاب اطلاعات و فناوری ارتباطات

عصر ارتباطات واژه‌ای کاملاً جدید برای تصویر دنیای کنونی است. نقش تعیین‌کننده‌ای که ارتباطات در زندگی انسان قرن بیست و یکمی ایفا می‌کند تا جایی است که، برخی از پژوهشگران علوم اجتماعی ترجیح می‌دهند به جای بیان «عصر اتم»، از عصر ارتباطات سخن بگویند (قنواتی، جالینوسی، ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۲۷). در بیان لادر فناوری ارتباطی و اطلاعاتی را این‌گونه تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از ماشین‌ها بنام رایانه‌ها و ارتباطات از راه دور که انتقال حجیم عظیمی از داده‌ها به شکل متن، تصویر، صدا و گرافیک را در مقیاس وسیع امکان‌پذیر می‌سازد» (همان: ۲۸). جهان در عصر جدید شاهد دگرگونی عظیمی در بخش علوم و فنون است که در کانون آن، اطلاع‌رسانی قرار دارد؛ و در حال تغییر چهره جوامع بشری است. از فوریه ۱۹۴۶ که اولین رایانه پدید آمد تا به امروز، بیش از یک میلیارد و نهصد و شصت میلیون نفر از اینترنت استفاده می‌کنند. پیشرفت سریع فنون اطلاعاتی، زمینه انقلاب تازه‌ای را فراهم آورد. انقلاب ارتباطی و اطلاعاتی محصول پیشرفت صورت گرفته در فناوری رایانه محور اطلاعات و ارتباطات است. (همان: ۲۹).

مهم‌ترین پدیده‌ای که در پی تحولات اجتماعی و فناوری که در اوایل دهه ۱۹۷۰ آغاز گشت؛ انقلاب اطلاعات و فناوری ارتباطات بود، این انقلاب دارای ویژگی‌هایی است که



عبارت‌اند از: ۱- اولین ویژگی انقلاب ارتباطات و اطلاعات این است که اطلاعات، ماده خام آن است. ۲- دومین ویژگی، تأثیر فناوری‌های جدید است. هیچ حوزه زندگی بشر را نمی‌توان برکنار از آثار دور و نزدیک این تحولات دانست. ۳- سومین ویژگی به منطق شبکه ساز هر سیستم اشاره دارد. ۴- چهارمین ویژگی بر انعطاف‌پذیری پارادایم فناوری اطلاعات و ارتباطات متکی است. ۵- این انقلاب همگرایی فزاینده رهیافت‌ها و فناوری‌های خاص است که در درون یک سیستم نوین و منسجم قرار می‌گیرند (همان: ۳۰).

جهانی شدن و فرهنگ

جهانی شدن فرهنگ عبارت است از شکل‌گیری و گسترش فرهنگی خاص در عرصه‌ی جهانی که موجی از همگونی فرهنگی را در جهان پدید آورده و هم‌زمان فرهنگ‌های دیگر را به چالش می‌طلبد. از این نظر، جهانی شدن از اراده معطوف به هم، به همگون سازی فرهنگ جهانی و یا جهانی کردن و یا به عبارتی غربی کردن جهان، سخن می‌گوید (گل محمدی، ۱۳۸۳: ۱۰۱). مجتهد زاده بر این عقیده است که جهانی شدن‌های کنونی، بار عظیمی از غربی شدن و در رأس آن آمریکایی شدن‌ها را به همراه دارد. این دگرگونی‌های بنیادین در جهان ژئوپلیتیک، هویت‌ها و استقلال فرهنگی - هویتی همه ملت‌ها را به چالش می‌کشد. از سوی دیگر این چالش است که بازگشت به هویت ملی و روی آوردن به استقلال خواهی‌های ملی را در سراسر جهان تحریک می‌کند (مجتهد زاده، ۱۳۸۱: ۲۶۴). با این وجود به دو دیدگاه در مورد جهانی شدن و فرهنگ اشاره می‌کنیم.

۱- دیدگاه مبتنی بر عام‌گرایی و یکسان‌سازی فرهنگی جهان، که معتقد است جهان تنها به دنبال یک فرهنگ غالب با محوریت آمریکا بوده و سایر فرهنگ‌ها تحت‌الشعاع آن قرار گرفته است. ۲- دیدگاه خاص‌گرایی که در آن فرهنگ‌های خاص در نواحی گوناگون در تعامل با یکدیگر رشد یافته و اثرپذیری کمتری از فرهنگ‌های غالب جهانی پیدا خواهند کرد.

فضای سایبر برای ایران می‌تواند کارکردی دوگانه داشته باشد یعنی همچنان که تهدیدی جدی در راستای کم‌رنگ‌تر کردن ارزش‌های اسلامی ایرانی به حساب می‌آید

در عین حال می‌تواند فرصتی در اختیار این جوامع قرار دهد تا از طریق آن بتواند مروج ارزش‌ها، آموزه‌ها و تعالیم دینی اسلامی باشند و در جهت تبلیغ و گسترش آن در سایر جوامع جهان بکوشند.

جهانی شدن روندی است که در قالب گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، به تشدید یکپارچگی و درهم تنیدگی مناسبات گسترده در ابعاد و سطوح مختلف منجر شده است (حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۲). تکنولوژی نوین اطلاعاتی و ارتباطی امروزه چنان سرعت و عمقی به تغییرات اجتماعی داده که حتی پابرجاترین عرصه‌ی حیات بشری یعنی فرهنگ را درنوردیده و ما را در میان یک دگرگونی جدی فرهنگی قرار داده است. تحولی که بارلو، آن را جدی‌ترین تحول فرهنگی از کشف آتش بدین سو می‌داند. امروزه افزایش ارتباطات جهانی و جهانی شدن، موجب ایجاد تغییرات فرهنگی بسیاری در جوامع مختلف شده است درواقع هویت فرهنگی و دینی افراد، با تهاجم فرهنگی تهدید می‌شود. همانطور که کاستلز نیز، جهان آینده را صحنه‌ی کارزار دو قدرت معتبر یعنی جهانی شدن و هویت می‌داند (افتخاری، ۱۳۸۰: ۳۳). یکی از پیامدهای جهانی شدن فرهنگی، گسترش تجدد غربی (غربی شدن) است. جهانی شدن به صورت مجموعه‌ای از معانی ارتباط جهانی، زمینه مساعدی را برای فرایند غربی شده جهان مبتنی بر فرض اروپا محوری فراهم می‌کند. از نظر «مازیو»، تکنولوژی فراگیر غرب، نیرویی است که با خود نه تنها مهارت‌های جدید، بلکه ارزش‌های جدید از جمله لذت‌گرایی را حمل می‌کند و این از نتایج یک‌شکل از جهانی شدن عناصر فرهنگی غرب است. بنابراین فرایند جهانی شدن فرهنگی که به واسطه‌ی انتقال ارزش‌های غربی از جمله لذت‌گرایی، فرهنگ حاصل از دین را، که در آن لذت‌گرایی و توجه به مادی‌گرایی منع شده است، نفوذپذیر و تهدید می‌کند (سفیری، ۱۳۹۱).

رسانه‌های نوین فقط یک تکنولوژی کاربردی برای انتقال مفاهیم نمادین معین نیستند و یا فقط طرفین یک تبادل را به هم مرتبط نمی‌سازند. بلکه نمونه‌ی کاملی از یک مجموعه رابطه‌های اجتماعی هستند که با جلوه‌های تکنولوژی نوین تعامل دارند. در قرن بیست و یکم، حوزه‌ی ارتباطات و تکنولوژی وابسته به آن نیز مانند بسیاری از حوزه‌های دیگر دستخوش تغییر و تحولات گسترده شده است. از این‌رو، رسانه‌های الکترونیکی جدید، حامل پیام‌ها و فرهنگ خاصی هستند که با گسترش آن‌ها، آن



پیامدها و فرهنگ‌ها نیز انتشار می‌یابد. رسانه‌های جدید در اثر تغییراتی که در برداشت‌های امروزی بشر به وجود می‌آورند، هویت‌ها و فرهنگ را نیز در وضعیت کاملاً تازه‌ای قرار می‌دهند که متفاوت و حتی مغایر با هویت‌ها و فرهنگ‌های عصر اول رسانه‌ها (رادیو، تلویزیون) است. در ایران نیز نفوذ سریع و گسترده‌ی وسایل الکترونیکی جدید باعث شده است تا تغییر فرهنگ در جوانان ایرانی خیلی زود به وجود بیاید. اینترنت به عنوان مهم‌ترین نمود رسانه‌های نوین موجب تغییر فرهنگی می‌شود. حضور در فضای مجازی و استفاده از اینترنت، تأثیرات عمیقی بر جنبه‌های فرهنگ و به تبع آن، بر سبک زندگی کاربران ایرانی خواهد گذاشت. اگر بخواهیم خطر آسیب‌پذیری فرهنگی را کم کنیم باید سعی کنیم آن‌ها را شناسایی و سپس آسیب‌زدایی کنیم (شرفی: ۱۳۸۳).

اینترنت و تأثیرات فرهنگی آن در ایران

اینترنت با وجود اینکه سالیان درازی نیست به ایران قدم گذاشته است اما توانسته علاوه بر اینکه جای پای خود را در ایران باز کند تأثیرات مهم فرهنگی و اجتماعی نیز بر جای گذاشته است. شناخت این تأثیرات و توجه به توسعه روزافزون اینترنت در کشورمان می‌تواند گامی در جهت شناخت وضع حال و آینده فرهنگ و جامعه ایرانی باشد. نعمت‌الله فاضلی، پدیده‌اینترنت را پدیده‌ای چندبعدی می‌داند که امروزه به صورت یکی از نمادهای فرهنگ جهانی در آمده است و همه جمعیت‌ها در سراسر جوامع امروزی تحت تأثیر این فناوری پست مدرن قرن بیست و یکمی و منحصر به فرد قرار گرفته‌اند. درباره اهمیت تأثیرات اینترنت، هم در سطح جهانی و هم در سطح ملی، نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است. کسانی هستند که این تأثیرات را بدون آسیب نمی‌بینند و معتقدند که اینترنت باعث تضعیف برخی ارزش‌های سنتی و تاریخی هم شده است.

آیا جامعه ایران با ورود اینترنت واقعاً با شوک فرهنگی مواجه شد؟

اینترنت یک فناوری ماهیتاً فرهنگی است زیرا اینترنت ابزاری است برای تولید و بازتولید و ترویج و اشاعه نمادها و معانی و بی‌واسطه با حوزه فرهنگ ارتباط دارد و بر آن تأثیر

می‌گذارد. همه مصنوعات و ماشین‌آلات و تکنولوژی‌ها به نوعی با جامعه و فرهنگ ارتباط دارند؛ اما از نظر نحوه تعامل با فرهنگ و نظام معانی و نمادهای جامعه در بسیاری موارد این ارتباط با واسطه عواملی است. مثلاً اتومبیل بر فرهنگ، با واسطه چند عامل تأثیر می‌گذارد؛ یعنی وقتی که توسط اتومبیل سبک زندگی سیال می‌شود این سیال شدن و سرعت یافتن بر فرهنگ هم تأثیر می‌گذارد؛ اما اینترنت از جمله فناوری‌هایی است که مثل رادیو، تلویزیون، روزنامه و کتاب مستقیماً در خدمت تولید و بازتولید معنا قرار دارد. چرا که این‌ها تکنولوژی‌های ارتباط انسان‌ها هستند. در این فرایند ارزش‌ها و معانی جدید تولید می‌شود و ارزش‌های گذشته به چالش کشیده و یا بازتولید می‌شوند. اینترنت از این حیث که مستقیماً با فرهنگ ارتباط دارد بسیار حائز اهمیت است و می‌تواند در یک زمان کوتاه دگرگونی‌های فرهنگی وسیعی را ایجاد کند. اینترنت علاوه بر اینکه یک وسیله فرهنگی است یک وسیله چندمنظوره است که کارکردهای متنوعی را هم‌زمان ایجاد می‌کند. اینترنت این قابلیت را هم دارد که استفاده از آن ارزان، آسان و همگانی است. به همین دلیل، تأثیرات اینترنت بر زندگی اجتماعی نوع بشر می‌تواند همه‌جانبه و عمیق باشد. اینترنت به دلیل ویژگی‌های خودش وقتی وارد جامعه ایران شد جامعه را به یک‌باره تحت تأثیر خودش قرار داد. اینترنت از نظر مردم عادی خیلی زود پذیرفته شد. کمتر موردی داریم که مقاومت مردم در برابر فناوری‌های جدید این‌قدر اندک باشد. اینترنت در خانواده‌ها، ادارات و مراکز آموزشی و پژوهشی به سرعت گسترش پیدا کرد. البته مقداری چالش وجود داشت و هنوز هم وجود دارد. ولی در مجموع جامعه ایران مقاومت چندانی در مقابل اینترنت نکرد. اینترنت از طریق نهاد آموزش وارد جامعه شد و این ورود از طریق نهاد علم برای این تکنولوژی نوعی قداست و حرمت ایجاد کرد. چون جامعه ایران ساختار جمعیتی جوانی دارد و جوانان محافظه‌کاری و بدبینی کمتری دارند و این جوانی جمعیت بر پذیرش اینترنت تأثیر گذاشت. اینترنت خودش هم این فضای جهانی را بازتاب نمود که مردم ایران هم تحت تأثیر سایر ملت‌های جهان خودآگاه یا ناخودآگاه اینترنت را پذیرفتند. به همین جهت هم اینترنت به نمادی از به‌روز بودن و عقب نبودن از کاروان علم و معرفت تبدیل شد. اینترنت دارای کارکردهای وسیعی است و به سختی می‌توان در مورد خوب یا بد بودن آن قضاوت کرد. از یک‌جهت به تولید علم کمک می‌کند، آموزش را آسان می‌کند،



اوقات فراغت را پر می‌کند، ارتباطات اجتماعی و انسانی را توسعه می‌بخشد و عملاً یک رسانه چندین منظوره است. از طرف دیگر این رسانه می‌تواند اثرات مخرب هم داشته باشد دولت و سیاست‌گذاران فرهنگی هم اینترنت را از همان ابتدا پذیرفتند و در جهت توسعه این تکنولوژی گام برداشتند و ساختارها و سرمایه‌گذاری مادی لازم برای توسعه آن را انجام دادند. پذیرش دولت هم بر نفوذ اینترنت در جامعه تأثیر گذاشت.

تأثیراتی که اینترنت بر ابعاد مختلف فرهنگی گذاشته چگونه است؟

ما در دو سطح می‌توانیم تأثیرات اینترنت در ایران را تحلیل کنیم. یکی در سطح عام و کلی است و در زمانی که اینترنت تمامیت روح ایرانی را تحت تأثیر قرار داده است؛ یعنی یک دیدگاه گشتالتی داشته باشیم که فرهنگ و انسان ایرانی دارای یک روح و کلیت است و اینترنت این روح را چگونه تحت تأثیر قرار می‌دهد. وجه دوم این است که وارد اجزا شویم و تأثیر اینترنت را در این اجزا ببینیم. اینترنت در فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی ما نقش پیدا کرده است. امروزه بخش عظیمی از سرگرمی‌های ما توسط اینترنت انجام می‌شود. وبگردی، دانلود کردن بازی‌ها و سرگرمی‌های اینترنتی، خواندن مقالات و. بخش مهمی از اوقات فراغت افراد را پر می‌کند. در حوزه پژوهشی هم بخش مهمی از فعالیت‌ها از طریق اینترنت صورت می‌گیرد. در فضای اینترنت ایرانی بیشتر می‌توان تکثر فرهنگ ایرانی را دید. چون در جهان واقعی محدودیت‌های مادی، مانع از آن می‌شود که انسان ایرانی آن‌گونه که هست خودش را عرضه کند. به همین جهت فرهنگ‌های ایرانی اینترنتی که شامل فرهنگ جوانی، زنان، اقوام گوناگون، ادیان گوناگون و گروه‌های سیاسی مختلف می‌شود شکل گرفته است. این فرهنگ‌ها متأثر از ما به ازای واقعی‌شان هستند. (گفتگو با دکتر نعمت‌الله فاضلی: ۱۳۸۸).

بررسی هویت نظام جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌انگاری

از دیدگاه سازه‌انگاری، هویت برساخته به عنوان یک متغیر میانجی میان هنجارها و تولید از یکسو و منافع و کنش کنشگران از سوی دیگر عمل می‌کند. به عبارتی از منظر سازه‌انگاری، هویت کنشگران را، هنجارها، ارزش‌ها و ایده‌های نهادینه در محیط شکل می‌دهد؛ و متعاقب شکل‌گیری این هویت است که کنشگران می‌توانند شکل‌گیری منافعشان را تعریف کنند. بنابراین هویت‌ها پایه و اساس منافع هستند و کشورها بر

اساس هویتی که برای خود تعریف می‌کنند منافع خود را نیز تعریف می‌کنند. از دید ونت، ساختار بینا ذهنی نظام بین‌الملل بر پایه شناخت مشترک است در ساخت و پرداخت هویت‌ها و منافع، دولت‌ها نقش اساسی دارند. با این وجود نتیجه می‌گیریم که هرگونه تغییر اساسی در منافع، اقدامات و یا حتی جهت‌گیری‌های سیاست خارجی، در آینده نیز نیازمند تغییر در منابع هویتی کشور در بلندمدت و باز اندیشی در مورد نقش‌های هویتی مبتنی بر آن است. (رسولی ثانی آبادی: ۱۳۹۱).

اینترنت، جهانی شدن و هویت فرهنگی در ایران

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های فرهنگی که در عصر جدید تأثیرات گسترده‌ای بر فرهنگ جوامع بشری گذاشته و نقش مهمی در جهانی شدن فرهنگی داشته، حوزه‌ی فرهنگ غربی بوده است. امروزه در بسیاری از جوامع انسانی، مصرف محصولات فرهنگی غربی شدت خاصی دارد. امروزه اینترنت به یکی از قدرتمندترین رسانه‌های ارتباطی تبدیل شده است. در سالهای اخیر، جامعه‌ی ایرانی نیز با متصل شدن به شبکه‌های اینترنتی مرزهای خود را به روی جوامع و فرهنگ‌های دیگر گشوده است. شواهد نشان می‌دهد که امروزه ایرانیان به‌ویژه جوانان به طور فزاینده‌ای از برنامه‌ها، محصولات و خدمات اینترنتی استفاده می‌کنند. اساساً استفاده از چنین خدماتی، نقش اساسی در وارد شدن جامعه ایرانی به فرایندهای جهانی، به‌ویژه مدرنیته داشته است (ساروخانی: ۱۳۸۷).

در حال حاضر با توجه به حضور گسترده غرب به حوزه‌های فرهنگ، تمدن و ارزش‌های اسلامی در فضای مجازی، مرکز بررسی جرائم سازمان‌یافته سپاه پاسداران، با رصد کردن تحریک معاندان با جدیت به انجام مأموریت‌های محوله خود می‌پردازند. از اقدامات شاخص این مرکز، می‌توان مقابله و انهدام پروژه «مضلین» که در دو بخش ضد اخلاقی و ضد دینی فعالیت می‌کرد، پروژه «فتنه‌ی عمیق» که حوادث قبل و بعد از انتخابات ریاست جمهوری را به وجود آورد، پروژه «مرصاد» که با پوشش و عنوان کانون فعالان حقوق بشر مشغول تخریب چهره نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در مجامع جهانی بود و پروژه‌ای بنام «دارکوب» یا «ایران پراکسی» که به منظور ایجاد امنیت در فضای اینترنت برای مخالفان جمهوری اسلامی ایران راه‌اندازی شده بود اشاره کرد.

جنگ نرم (قدرت نرم)



اصطلاح قدرت نرم را جوزف نای در کتابی تحت عنوان «ملزم به رهبری» که در سال ۱۹۹۰ منتشر شد، بکار گرفت (قنواتی، جالینوسی، ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۳). قدرت نرم یک کشور تا حد زیادی بر سه منبع اصلی متکی است: فرهنگ آن کشور (در جایی که برای دیگران جذابیت دارد)، ارزش‌های سیاسی آن کشور (وقتی خود در موطن و خارج به آن‌ها پایبند باشد)، و سیاست خارجی (وقتی این سیاست‌ها در نظر دیگران مشروع بوده و جواز اخلاقی داشته باشد) (همان: ۱۶). در جنگ نرم یا جنگ فرهنگی، دشمن سعی دارد با تحمیل فرهنگ خود، رفتارهای خودساخته خود را، به جامعه وارد نماید، تا از این طریق به استثمار آن‌ها بپردازد. (همان: ۱۷). کاری که غربی‌ها از طریق فضای سایبر و اینترنت با ایران انجام می‌دهند.

نبرد اطلاعاتی، مفهوم جدیدی نیست بلکه پدیده «موج سوم»، و محصول فرعی انقلاب رایانه است. جنگ در عصر اطلاعات نه تنها به واسطه‌ی تکنولوژی، بلکه با مفاهیم و سازمان‌هایی که برای به‌کارگیری این تکنولوژی ایجاد شده‌اند، شکل خواهد گرفت (عبداله خانی، ۱۳۸۶: ۲۹-۳۲). منظور از جنگ سایبرنتیک یا اینترنتی، سیطره غنی‌شده اطلاعاتی از جنگ نظامی آینده است. که در آن تلاش و مبارزه برای برتری اطلاعاتی، اهمیت حیاتی پیدا می‌کند. نبرد اطلاعاتی اساساً درباره ایده‌ها و هستی‌شناختی با هدف، اعمال نفوذ بر انسان‌ها و تصمیم‌هایشان است (همان: ۳۷).

در واقع جنگ نرم، نوعی چالش و درگیری بین کشورها است که در حوزه سخت‌افزاری و تسلیحات نظامی قرار نمی‌گیرد در حوزه محتواها، برنامه‌ها و نرم‌افزارهایی قرار می‌گیرد که عمدتاً از جنس رسانه‌ها است بنابراین هرگونه تقابل میان کشورها یا گروه‌هایی که باهم رقابت یا دشمنی دارند و در آن از ابزارهای رسانه‌ای، ابزارهای سایبری و نرم‌افزاری یا مغز افزاری استفاده می‌شود در دنیا به عنوان جنگ نرم تلقی می‌شود در فضای جنگ نرم صحبت از ماهواره، اینترنت، روزنامه، خبرگزاری، کتاب، فیلم، سینما می‌شود. جنگ سایبری امروزه در فضای شبکه‌های اجتماعی سایبری است.

به‌طور طبیعی شبکه‌های ماهواره‌ای اعم از تلویزیونی و رادیویی در چارچوب مباحث جنگ نرم، ادامه سلطه نظام کاپیتالیستی بوده و به دنبال منافع خودشان تأمین منافع و اهداف خودشان در کشورهای دیگر هستند؛ و هدف اصلی این نوع شبکه‌ها تأثیرگذاری بر افکار عمومی کشورهای هدف خود و به هم زدن سیستم اطلاع‌رسانی داخلی

کشورهای موردنظر است. آن‌ها از ابزارهای تکنولوژیکی متعددی برای رسیدن به برنامه‌ها، اهداف و سناریوهای خود استفاده می‌کنند، اما قطعاً اساس استراتژی کشورهای غربی در جنگ نرم یکی هست یعنی در جهت تحریف واقعیت‌های خبری ایران گام برمی‌دارند و بر روی نفوذ بر افکار عمومی ایران به منظور مقابله با استراتژی‌های دولت جمهوری اسلامی ایران کار می‌کند.

در واقع هدف در طول این سال‌ها یکی بوده ولی ابزارهای تکنولوژی و نوع رسانه، شکل و فرمت رسانه متناسب با شرایط روز زمان، تغییر و دگرگونی پیدا کرده است. در این بستر به خصوص کشورهای غربی از ابزار شبکه‌های خبری سیاسی یا غیرسیاسی برای نفوذ بر افکار عمومی کشورها به خصوص ایران یا کشورهای اسلامی استفاده کرده‌اند و به نوعی این‌ها در طول زمان جاده صاف کن‌های سیاست‌های فرهنگی غرب برای این کشورها بودند.

از دهه ۷۰ یک تغییر در رویکرد سیاست کشورهای غربی به خصوص آمریکا در مورد جمهوری اسلامی اتفاق افتاد، یعنی از جنگ سرد به جنگ نرم رویکردشان را عوض کردند، رویکرد شبکه‌های خبری در برابر ایران، جنگ نرم بود. جنگ نرم در تمام طول تاریخ وجود داشته و حتی زمانی که ابزارهای تکنولوژیکی مثل رادیو، تلویزیون، ماهواره نبوده‌اند جنگ نرم در چارچوب جنگ افکار و جنگ روانی وجود داشته است؛ بنابراین آن‌ها سعی کردند با اتخاذ استراتژی جنگ نرم در کنار جنگ‌های سخت خودشان یا به صورت مستقل و فقط در چارچوب جنگ نرم، به اهداف خود جامه عمل بپوشانند. (ضیایی پرور: ۱۳۸۸). برای مقابله با جنگ نرم اولین موضوع بالا بردن سواد رسانه‌ای جامعه است (سلطانی فر، ۶۷: ۱۳۸۲) ما باید سواد رسانه‌ای مان را متناسب با تکنیک‌های پیچیده‌ای که این شبکه‌های ماهواره‌ای به کار می‌برند بالا ببریم.

بنابراین مقابله با ایران تا یک مقطعی هم جنگ سخت بود هم جنگ نرم، اما وجه غالب، جنگ سخت بود و هزینه‌بر بودن این روند برای کشورهای مهاجم باعث شد که رویکرد قبلی آن‌ها به یک نوع جنگ نرم تغییر کند. در اواخر دهه ۷۰ یعنی زمان اول راه‌اندازی شبکه‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای، رخداد‌های دیگری را شاهد بودیم. برای اولین بار سال ۱۳۷۸ دریافت شبکه‌های ماهواره‌ای در ایران اتفاق افتاد. الان سال‌ها از آن زمان می‌گذرد که تفاوت‌های جنگ نرم این دو دهه فراوان است. در بخش اول شبکه‌هایی به



صورت آزمایشی راه افتادند و بخش دوم شبکه‌هایی را شاهد بودیم که به صورت حرفه‌ای وارد لایه‌های فرهنگی شدند. تفاوت این دو نوع شبکه‌ها را در حوزه جنگ نرم قابل تأمل است. (ضیایی پرور، ۱۳۸۸: ۸۰).

با توجه به تشریح عناصر و مبانی جنگ نرم علیه ایران در فضای سایبر و رسانه‌ای، می‌توان راهبردهای زیر را به منظور مقابله با آن ارائه داد:

۱- تأسیس مرکز ملی هماهنگ‌کننده جنگ نرم ضروری است. این مرکز وظیفه اساسی هماهنگی بین نهادهای مختلف داخلی در زمینه مقابله با جنگ نرم دشمن را بر عهده داشته و تصویرسازی رسانه‌ای از ایران را تحت کنترل، پایش و نظارت دارد.

۲- راه‌اندازی شبکه‌های رسانه‌ای جدید تحت نظارت کلی صداوسیما و با تولید گرداندگی بخش خصوصی ضرورتی حیاتی است، این شبکه‌ها می‌تواند به طور غیررسمی پاسخگوی نیازهای سرگرمی و اطلاع‌رسانی مردم بوده و اعتماد مردم به رسانه‌های داخلی را بازگرداند.

۳- حمایت از جریان تولید محتوای سالم در فضای سایبر و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی برای دفاع از منافع ملی کشور در چارچوب جنبش نرم‌افزاری باید صورت گیرد.

۴- توجه به مبانی قدرت نرم در کشور برای جذب حداکثری و دفع حداقلی ضروری است.

۵- رویکرد مردم به شبکه‌های تلویزیونی خارجی و ریش قارچ مانند شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای یکی بعد از دیگری نشان‌دهنده ناموفق بودن برنامه‌های صداوسیما و ادبار مردم از این رسانه است. اگر این موضوع آسیب‌شناسی برطرف نشود بزرگ‌ترین ضربه به منافع ملی وارد خواهد شد. راهبرد اساسی این است که مردم ایران باید اخبار ایران را از رسانه‌های داخلی ببینند و بشنوند.

امنیت و فضای سایبر

از ابتدای زندگی بشر، امنیت یکی از دغدغه‌های اصلی او بوده است. امروزه با گسترش اینترنت و فضاهای شبکه‌ای در کشورمان، لزوم امنیت برای فعالیت در این فضاهای مجازی بیش‌ازپیش احساس می‌شود (هاتف، ۱۳۸۶: ۱). امنیت مجازی موضوع حیاتی

برای کشورها می‌باشد چرا که شرط لازم برای تهدید پذیری از دنیای مجازی، استفاده گسترده و اتصال به شبکه‌های الکترونیکی و اطلاعات است؛ و شرط کافی، دیجیتالی شدن تمام سیستم‌ها و زیرساخت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه است (همان، ۲). به امنیت فناوری اطلاعات وابسته به سیاست دولت‌ها، امنیت سایبری می‌گوییم. (همان، ۴).

چالش و موانع اساسی فرا روی امنیت در فضای مجازی

در جریان سیاست‌گذاری برای امنیت فضای سایبر و اینترنت در کشور ما، چالش‌ها و موانع جدی وجود دارد. این چالش‌ها و موانع را می‌توان به شرح زیر عنوان کرد:

۱- فقدان راهبرد مشخص در زمینه توسعه الکترونیک و امنیت فضای مجازی. ۲- فقدان متولی مشخص در حفاظت از داده‌های موجود در سامانه‌های نظامی، امنیتی کشور. ۳- فقدان سیاست روش گمرکی در مورد مجاز یا ممنوع بودن واردات تجهیزات، دریافت و ارسال ماهواره‌ای برای خدمات اینترنت. ۴- فقدان سیاست مشخص ملی در آموزش و اطلاع‌رسانی. ۵- افزایش جرائم پنهانی در فضای مجازی و حرفه‌ای شدن مجرمین با افزایش استفاده از شبکه‌های مجازی در دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی ۶- فقدان سیاست‌های نظارتی و امنیتی مشخص در کشور (هاتف، ۱۳۸۶: ۱۴-۱۳).

انواع تهدیدات در فضای سیاسی مجازی ایران

تهدید، مفهومی نسبی و ذهنی است و تهدید در گذشته آن، دارای ویژگی‌های مشخصی بود اما در جهان امروز و در عصر جهانی شدن، به واسطه‌ی هسته و پیوسته بودن متن و زمینه، مفاهیم نیز دستخوش تغییر و تحول بوده‌اند. در شرایط نوین ویژگی‌های تهدیدات به شرح زیر هست:

- اکثریت تهدیدات، دولت محور نیستند- این چالش‌ها، فضای جغرافیایی خاصی ندارند و تهدیدات متنوع چند سویه و چند جهتی است و در سه سطح جهانی، منطقه‌ای و محلی قابل بررسی است. این تهدیدات را نمی‌توان تنها با اتکا به سیاست‌های دفاعی سنتی مدیریت کرد و مدیریت مؤثر مستلزم طیفی رهیافت‌های غیرنظامی است. همچنین فناوری اینترنت یکی از مهم‌ترین ابزارهای قرن بیست و یکمی برای اجرای پروژه‌های



تغییر حکومت‌ها یا هرگونه تهدیدات دیگر علیه منافع ملی در کشورها محسوب می‌شود (بدیعی ازنده‌ای، احمدی فیروزجائی، انصاری زاده، ۱۳۹۲).

اینترنت در بعد فرهنگی به صورت زیر آسیب رسانده است:

- کاهش نفوذ رسانه‌های ملی و داخلی، به همان اندازه که رسانه‌های خارجی و رسانه‌های اینترنتی، مخاطب جدید کسب می‌کنند، همان اندازه هم از تعداد مخاطبان داخلی کاسته می‌شود. - ایجاد محرک‌های قوی برای تبادلات فرهنگی غیرقابل کنترل. بسترسازی بیشتر برای تهاجم فرهنگی. - انتقال هنجارها و فرم‌های ارزشی و اخلاقی غربی. چالش انتقادی در مباحث دینی و مذهبی و جایگزینی رسانه‌ای.

جمهوری اسلامی ایران و جنگ سایبری غرب (امریکا)

در فضای سایبر، حضور، فراتر از شبکه‌ی جهانی وب یا حتی اینترنت است و از انواع ابزارها و امکانات رایانه‌ای و مخابراتی استفاده می‌گردد، به طور کلی امریکا می‌کوشد با استفاده از تبلیغات، مبارزات، روان‌شناسی، انهدام و ترور شخصیتی، سیاسی و تهاجم فرهنگی، جنگ نرم جدیدی را ضد کشورمان شکل دهد. امریکا با استفاده از قابلیت‌های فضای سایبر در زمینه تولید آسان و ارزان مطالب همراه با استفاده از جاذبه‌های رنگین، تلاش دارد به هویت‌های اجتماعی مخالف نظام جمهوری اسلامی و فرهنگ اسلامی ایرانی در فضای سایبری شکل دهد. با فراهم نمودن امکانات زیست مستعار جنبش‌های اجتماعی مخالف در این فضا، به آن‌ها این توانمندی را بدهد که با سوءاستفاده از بحران‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی موجود در جامعه به هویت جمعی مجازی مخالف نظام شکل دهد؛ و با متقاعد نمودن پیروان خود، آن‌ها را متناسب با اهداف خود در عرصه جنگ نرم بسیج نماید. نکته کلیدی برای موفقیت مدیریت بحران در فضای سایبر، انگیزه انجام حملات سایبری است. بنابراین از آنجایی که جنگ سایبری ادامه سیاست با ابزار دیجیتال است، تنها با اتخاذ سیاست‌های هوشمندانه می‌توان آن را کنترل نمود. در پایان می‌توان راه‌کارهای زیر را برای مقابله با تهدیدات در فضای سایبر پیشنهاد کرد. آموزش - تجهیزات - توانمندسازی کارکنان - اطلاعات - حفظ روابط سازمانی و غیرسازمانی بین بخش‌های مهم دولتی - حفظ، توسعه و مدیریت اطلاعات برای تأمین امنیت زیرساخت‌های حیاتی (ماه پیشانیان، ۱۳۹۰).

سازمان جاسوسی امریکا در سال ۲۰۰۶ م، طرحی به عنوان «بی‌ثبات‌سازی ایران» با اختصاص ۴۰۰ میلیون دلار تهیه کرد که توسط کنگره امریکا مورد تصویب قرار گرفت. در این طرح راه‌اندازی نوع جدیدی از جنگ اطلاعاتی موسوم به جنگ سایبری در دستور کار دولت امریکا قرار گرفت. که با استفاده از عوامل گروهک‌های ضدانقلاب از جمله منافقین، سلطنت‌طلبان، بهائیان و برخی گروهک‌های دیگر اجرا شود. وزارت خارجه امریکا که محتوای اینترنت را سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و هدایت می‌کند از طریق گفتگو، اطلاع‌رسانی و ارسال پیام در فضای اینترنت از مرزهای ما عبور می‌کند و پیام خود را به کاربران ایرانی در تمام کشور به سهولت می‌رساند. به علت عدم هماهنگی در بخش زیرساخت‌ها و توسعه فنی و بخش تولید محتوا هماهنگی ایجاد کنیم؛ و در چرخه «نظام هماهنگ»، مواضع آن‌ها را به چالش بکشیم. باید تکنولوژی وارداتی را بومی‌سازی کرده و با تشکیل شورای عالی سیاست‌گذاری و نظارت در فضای مجازی، فعالیت و برنامه‌ها را سازمان‌دهی کنیم (شریعت پناه، ۱۳۸۹).

نتیجه‌گیری

اینترنت به عنوان مهم‌ترین نمود رسانه‌های نوین موجب تغییر فرهنگی می‌شود. اینترنت فضای سایبری در جوامع مختلف گذشته از فواید آن، همراه با مخاطرات و آسیب‌هایی است که فرد، جامعه و حکومت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این رسانه می‌تواند پیامدهایی برای فرهنگ و هویت ما داشته باشد. از جمله باید به اضمحلال برخی فرهنگ‌های بومی و گوناگونی‌های آن‌ها، آسیب‌پذیری بیشتر جوامع در حال توسعه در مقابل بحران‌های آن و نبردهای جدید فرهنگی و هویتی اشاره کرد. جهانی شدن و گسترش فزاینده‌ی فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به تحول و دگرگونی در ابعاد مختلف امنیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منجر شده است.

فضای سایبر برای ایران کارکردی دوگانه دارد، یعنی همچنان که تهدیدی جدی در راستای کمرنگ‌تر کردن ارزش‌های اسلامی ایرانی به حساب می‌آید در عین حال می‌تواند فرصتی در اختیار این جوامع قرار دهد تا از طریق آن بتواند مروج ارزش‌ها، آموزه‌ها و تعالیم دینی اسلامی باشند و در جهت تبلیغ و گسترش آن در سایر جوامع جهان بکوشند.



حال نگارنده در این تحقیق در پی آن بود که پاسخی برای این پرسش ارائه دهد که فضای سایبر چه تأثیری بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران داشته و دارد؟ هدف این پژوهش بررسی تأثیر فضای سایبر به‌عنوان شبکه‌ای جهانی بر منافع ملی (امنیت، هویت و فرهنگ)، با رهیافت نظریه سازه‌نگاری به‌عنوان یک رویکرد کارآمد و میانه (رتالیسم و لیبرالیسم) هست. با توسعه تکنولوژی اطلاعاتی و ارتباطی زمینه دگرگونی و چالش فرهنگ‌ها را در سطح کشور به‌عنوان فرهنگ ملی فراهم می‌شود در واقع آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی اینترنت، اعضای جامعه را در رفتار فردی با خانواده و رفتار اجتماعی را با دیگر شهروندان متزلزل و متأثر از فرهنگ‌های منحط بیگانه می‌نماید، هنجارها و ارزش‌های متعالی جامعه به زوال رفته، احساس امنیت و آرامش از جامعه رخت برمی‌بندد در واقع هویت فرهنگی و دینی افراد، با تهاجم فرهنگی تهدید می‌شود یکی از پیامدهای جهانی شدن فرهنگی، گسترش تجدد غربی (غربی شدن) است. جهانی شدن به صورت مجموعه‌ای از معانی ارتباط جهانی، زمینه مساعدی را برای فرایند غربی شدن جهان فراهم می‌کند. تکنولوژی فراگیر غرب، نیرویی است که با خود نه تنها مهارت‌های جدید، بلکه ارزش‌های جدید از جمله لذت‌گرایی را حمل می‌کند و این از نتایج یک‌شکل جهانی شدن عناصر فرهنگی غرب است. بنابراین فرایند جهانی شدن فرهنگی که به‌واسطه‌ی انتقال ارزش‌های غربی از جمله لذت‌گرایی، فرهنگ حاصل از دین را، که در آن توجه به مادی‌گرایی در کنار عناصر معنوی آمده است، نفوذپذیر و تهدید می‌کند.

در ایران نیز نفوذ سریع و گسترده‌ی وسایل الکترونیکی جدید باعث شده است تا تغییر فرهنگ در جوانان ایرانی خیلی زود به وجود بیاید. حضور در فضای مجازی و استفاده از اینترنت، تأثیرات عمیقی بر جنبه‌های فرهنگ و به تبع آن، بر سبک زندگی کاربران ایرانی خواهد گذاشت. اگر بخواهیم خطر آسیب‌پذیری فرهنگی را کم کنیم باید سعی کنیم آن‌ها را شناسایی و سپس آسیب‌زدایی کنیم، زیرا جامعه ایران ساختار جمعیتی جوانی دارد و جوانان محافظه‌کار کمتری دارند و این جوانی جمعیت بر پذیرش اینترنت تأثیر گذاشت. امروزه بخش عظیمی از سرگرمی‌های ما توسط اینترنت انجام می‌شود. وبگردی، دانلود کردن بازی‌ها و سرگرمی‌های اینترنتی، خواندن مقالات و .. بخش مهمی از اوقات فراغت افراد را پر می‌کند. یکی از مهم‌ترین حوزه‌های فرهنگی که در عصر جدید تأثیرات گسترده‌ای بر فرهنگ جوامع بشری گذاشته و نقش مهمی در جهانی

شدن فرهنگی داشته، حوزه‌ی فرهنگ غربی بوده است. امروزه در بسیاری از جوامع انسانی، مصرف محصولات فرهنگی غربی شدت خاصی دارد.

در حال حاضر با توجه به حضور گسترده غرب به حوزه‌های فرهنگ، تمدن و ارزش‌های اسلامی در فضای مجازی، مرکز بررسی جرائم سازمان‌یافته سپاه پاسداران، با رصد کردن تحریک معاندان با جدیت به انجام مأموریت‌های محوله خود می‌پردازند. امریکا با استفاده از قابلیت‌های فضای سایبر در زمینه تولید آسان و ارزان مطالب همراه با استفاده از جاذبه‌های رنگین، تلاش دارد به هویت‌های اجتماعی مخالف نظام جمهوری اسلامی و فرهنگ اسلامی ایرانی در فضای سایبری شکل دهد. به این ترتیب فرضیه‌ی مقاله حاضر مورد اثبات قرار گرفته و کشورهای غربی از طریق اینترنت و فضای سایبر سعی در تغییر افکار ملت ایران نموده و آن‌ها را به سمت فرهنگ غربی کشیده و فرهنگ اسلامی ایرانی را به حاشیه برانند.



منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، «نامنی محدود، بررسی تهدیدهای جهانی شدن برای جهان اسلام»، تهران: جلد ۲.
- امیرمحمدی، محمد (اسفند ۱۳۸۳)، سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل، باشگاه اندیشه، هفته نامه، شماره ۴۳.
- ایوانز، گراهام (۱۳۸۱)، فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: نشر نی.
- بدیلی ازنده‌ای، مرجان؛ احمدی فیروزجائی، میثم؛ انصاری زاده، سلمان (بهار ۱۳۹۲)، تبیین مفهوم مرزدر فضای سیاسی-مجازی ایران، فصلنامه انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال یازدهم، شماره ۳۶.
- برتون، رولان (۱۳۸۰)، قوم‌شناسی سیاسی، مترجم: ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- برقی، عماد (۱۳۸۸)، اینترنت و تأثیرات فرهنگی آن بر ایران، گفتگو با دکتر نعمت‌الله فاضلی، روزنامه اعتماد: روز پنج شنبه دی ماه.
- بل، دیوید (۱۳۸۹)، درآمدی بر فرهنگ‌های سایبر، ترجمه مسعود کوثری و حسین حسینی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- تدهوپف (۱۳۸۶)، نوید مکتب برسازی برای نظریه روابط بین‌الملل، نواقع گرای، نظریه انتقادی و مکتب برسازی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و روابط بین‌المللی وزارت امور خارجه، ص ۴۷۶.
- جان‌پرور، محسن؛ حیدری‌موسلو، طهمورث (۱۳۹۰)، آسیب‌شناسی فضای سایبر بر امنیت اجتماعی، فصلنامه نظم و امنیت اجتماعی، شماره سوم، سال چهارم.
- جوادی، محمدجعفر؛ سلیمانی، غلامعلی (۱۳۸۸)، سازه‌انگاری به مثابه فهم نوین در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی: سیاست خارجی ج.ا.ایران.
- جهانگرد، نصرالله و دیگران (۱۳۸۳)، گزارش روندبرگزاری اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی و مشارکت ایران (ژانویه ۲۰۰۳)، دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی.
- حافظنیا، محمدمرضا؛ جان‌پرور، محسن؛ مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۹)، تأثیر جهانی شدن بر هویت مرزها، تهران: مجله برنامه‌ریزی و آزمایش فضا.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۷)، چهارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی و مرکز تحقیقات استراتژیک.

- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۶)، هویت و منفعت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، گردآورنده داود کیانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- راسخی، هوشنگ (۱۳۷۶)، سازنده گرایی در سیاست خارجی، مجله سیاست خارجی، سال ۱۱، شماره ۴.
- رسولی ثانی آبادی، الهام (۱۳۹۱)، بررسی هویت نظام جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌نگاری، سال پانزدهم، شماره ۵۸.
- ساروخانی، باقر؛ بابائی فر، اسدالله (۱۳۸۷)، «اینترنت، جهانی شدن و هویت فرهنگی دانشجویان دانشگاه تهران، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۱۳.
- سازمند، بهاره (۱۳۸۴)، تحلیل سازه انگارانه از هویت ملی در دوران جنگ تحمیلی، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲۲، ص ۵۰.
- سفیری، خدیجه؛ نعمت الهی، زهرا (۱۳۹۱)، جهانی شدن و هویت دینی با تأکید بر تفاوت‌های جنسیتی در مطالعات اجتماعی و روان‌شناختی زنان، سال ۱۰، شماره ۳.
- سلطانی فر، محمد؛ هاشمی، شهناز (۱۳۸۲)، پوشش خبری، سیمای شرق.
- شاقاسمی، احسان (۶ خرداد ۱۳۹۳)، زمینه‌های تأثیر فضای مجازی بر نظریه‌های ارتباطات.
- شیخ الاسلامی، محمدحسن؛ عسگریان، محسن (۱۳۸۸)، «سازه‌نگاری، رسانه و رفتارانتخاباتی در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال شانزدهم، شماره ۱.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۳)، عوامل هویت و بحران هویت در ایران، به کوشش علی اکبر علیخانی، هویت در ایران، چاپ اول.
- شریعت پناه، محمد (تیرماه ۱۳۸۹)، تهاجم و تقابل در فضای سایبری، (پیام انقلاب)، شماره ۳۶.
- ضیایی پرور، حمید (۱۳۸۸)، جنگ نرم ۲ ویژه ی جنگ رسانه‌ای، تهران: موسسه ابرار معاصر.
- طارمی، محمدحسین، فضای سایبر؛ آسیب‌ها و مخاطرات.
- عباسی قادی، مجتبی؛ خلیلی کاشانی، مرتضی (۱۳۸۹)، تأثیر اینترنت بر هویت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عبداله خانی، علی (۱۳۸۶)، جنگ نرم ۳ (نبرد در عصر اطلاعات)، تدوین عبدالله خانی علی، تهران: موسسه فرهنگ مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر.
- عبداله خانی، علی (۱۳۸۲)، نظریه‌های امنیت، تهران: ابرار معاصر.
- قبادی، خسرو (تابستان ۱۳۸۴)، ضرورت و بایسته‌های منافع ملی در نظام جمهوری اسلامی ایران، نشریه مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق، فصلنامه پژوهش دانشگاه، شماره ۲۶.



- قریشی، حمیدرضا (۱۳۸۱)، مقایسه مفهوم منافع ملی در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، فصلنامه ره آورد «مدیریت نظامی»، سال سوم، شماره ۷.
- قنواتی، طیبه؛ جالبینوسی، احمد، ابراهیمی، شهروز (۱۳۹۱)، تأثیر فضای سایبری بر روابط سیاسی و امنیتی ایالات متحده آمریکا و جمهوری خلق چین (۱۳۹۰-۱۳۸۰)، آذر ماه.
- کوشا، غلام حیدر (بهار ۱۳۹۱)، اخلاق دینی و تعامل سایبری، سال سوم، شماره دوم.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۳)، «جهانی شدن، فرهنگ، هویت»، تهران: نشر نی.
- مانوئل، کاستلز (۱۳۸۴)، «عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه‌ای)»، جلد ۱، ترجمه احمد علیقلیان، افشین پاکباز، تهران: طرح نو، چاپ چهارم.
- ماه پیشانیان، مهسا (مرداد ۱۳۹۰)، شیوه‌های نوین درگیری آمریکا با ایران در فضای سایبر (پیام انقلاب)، شماره ۴۹.
- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳)، سازه‌انگاری به عنوان فرانظریه در روابط بین‌الملل، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۵.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱)، فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران: نشر نی.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳)، گفتگوی تمدن‌ها از منظر سازه‌انگاری، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۳، ص ۱۷۶.
- موسوی، محمدعلی، آسیب شناسی هویتی و فرهنگی رسانه‌های نو ظهور با تأکید بر اینترنت در ایران به منظور ارائه راهکارهای پیشنهادی.
- هاتف، مهدی (۱۳۸۶)، امنیت در فضای مجازی (چالش‌ها و چشم اندازه‌ها)، ماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال چهارم، شماره ۱۵: بهمن و اسفندماه.
- هادیان، ناصر (۱۳۸۲)، سازه‌انگاری از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴، ص ۴۸.
- هایم، مایکل (۱۳۹۰)، متافیزیک واقعیت مجازی، ترجمه سروناز تربتی، تهران: انتشارات رخداد

